

نظام‌سازی دینی در جهان جدید: بررسی امکان نظام اقتصادی مبتنی بر قرآن

محمد رضا یوسفی شیخ رباط *

DOI: 10.22096/rc.2021.244803

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱]

چکیده

امکان تاسیس يك نظام فکری بر اساس متون دینی، از دغدغه‌های متدینان در جهان جدید و متأثر از اندیشه نظام‌سازی در تفکر دوران مدرن است. بر این اساس، امکان نظام اقتصادی مبتنی بر قرآن کریم از مباحثی است که ذهن برخی از محققان را به خود مشغول داشته است. این نوشتار به بررسی پاسخ به سه مسئله نظام‌سازی قرآنی، وجود و عدم نظام اقتصادی در قرآن و در نهایت امکان نظام‌سازی مبتنی بر قرآن پرداخته است. برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های یادشده، از روش استنتاج شهید صدر و روش تحلیل محتوا بهره برده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که امکان تبیین نظام اقتصادی بر اساس تعاریف مرسوم در مباحث اقتصادی در قرآن کریم وجود ندارد. همچنین گرچه در برخی موارد، قرآن کریم به مباحث مکتب اقتصادی ورود کرده است، اما به تبیین همه جانبه آن نیز پرداخته نشده است. با این حال می‌توان با اتکا بر قرآن و سنت، به ارائه یک مکتب اقتصادی دست زد.

واژگان کلیدی: نظام اقتصادی؛ مکتب اقتصادی؛ روش استنتاج؛ نظام‌سازی قرآنی.



مقدمه

یکی از موضوعاتی که چندی است در برخی محافل علمی دینی به طور جدی دنبال می‌شود، امکان نظام‌سازی اقتصادی دینی یا قرآنی است. بر این اساس چند پرسش قابل طرح است:

۱. آیا قرآن به موضوع نظام‌سازی پرداخته است؟

۲. آیا قرآن به تبیین نظام اقتصادی پرداخته است؟

۳. در صورت پاسخ منفی به دو سوال پیشین، آیا با الهام از تعالیم قرآنی، امکان نظام‌سازی وجود دارد؟

موضوع نظام‌سازی اقتصادی از منظر قرآن، یک موضوع دوجانبه است؛ از یک سو به قرآن به‌عنوان مهم‌ترین منبع دین اسلام مرتبط می‌شود و از سوی دیگر پای اقتصاد در میان است. از این جهت برای جلوگیری از یک خلط روش‌شناسانه، لازم است به تعریف نظام اقتصادی در تفکر اقتصادی متعارف پرداخته شود و سپس با توجه به این تعریف، رابطه آن با قرآن بررسی شود.

روشی که این نوشتار جهت بررسی این مفهوم در قرآن کریم دنبال می‌کند، روش موسوم به «روش استنتاج» است. شهید صدر معتقد است که هرگاه موضوعی مورد توجه قرار گیرد و مفسر قصد داشته باشد تا دیدگاه قرآن را در آن ارتباط بداند، باید ابتدا به بررسی عینیت خارجی و مفهوم پدیده مورد مطالعه در دنیای جدید پرداخته، نظرات دیگر مکاتب را در این باره پیگیری نماید و سپس این دیدگاه‌ها را بر قرآن عرضه کند. ایشان از این روش به روش استنتاج تعبیر می‌کند.^۱ در اینجا با توجه به میراث بشری به سراغ قرآن رفته‌ایم. به عبارت دیگر، گاه هدف این است که دیدگاه قرآن کریم در باره یکی از موضوعات و مفاهیمی مانند شرک، نبوت، معاد و یا وقایعی چون جنگ بدر و... که در دوران گذشته مطرح بوده است مورد بررسی قرار گیرد. در این صورت یک باره به سراغ کتاب خدا می‌رویم تا آیات مورد بررسی قرار گیرند. اما گاه پرسش‌ها بر اساس مفاهیم و موضوعات جدیدی است که خواهان یافتن دیدگاه قرآن در آن باره هستیم. در این موارد نباید به دنبال لغات و کلمات مشابه قرآنی بود؛ بلکه باید به طرح پرسش‌ها پرداخت و سپس این پرسش‌ها را پیش روی قرآن گذارده، بر کتاب خدا عرضه کرد. در این روش از کلمات و الفاظ فراتر می‌رویم. به واقع در این روش قرآن به سخن آورده می‌شود چنانکه امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می‌فرماید: «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ وَ لَكِنْ أُخْبِرْكُمْ عَنْهُ، أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ» (خطبه ۱۵۸: ۳۴۰)^۲

۱. نک: شهید صدر، ۱۳۹۵: ۳۹-۴۰.

۲. «این قرآن است، آن را به سخن آرید، اگر چه هرگز سخن نمی‌گوید. اما من از جانب او شما را آگاهی می‌دهم؛ بدانید در قرآن علوم آینده و اخبار گذشته، داروی بیماری‌ها و نظم حیات اجتماعی شماست.» (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۳: ۳۴۰)

بر این اساس این نوشتار، در ابتدا به تعریف و تبیین مؤلفه‌های مکتب و نظام اقتصادی و سپس به تبیین دیدگاه قرآن در امور اقتصادی می‌پردازیم و سپس وجود یا عدم نظام اقتصادی و مکتب اقتصادی در قرآن مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در نهایت، امکان بنای مکتب و نظام اقتصادی مبتنی بر قرآن بررسی شده، جمع‌بندی نهایی بیان خواهد شد.

۱. تعریف و مؤلفه‌های نظام و نظام اقتصادی

اندیشه اقتصادی را می‌توان به ملاحظات مختلف تقسیم نمود. از این منظر، اقتصاد به مباحث مربوط به مکتب (آئین)، نظام و علم اقتصاد تقسیم شده و هر کدام از این حوزه‌ها دامنه و قلمرو، مسائل و ابعاد مربوط به خود را دارا می‌باشند. البته برای هر کدام از اصطلاحات فوق، لزوماً یک تعریف جهان‌شمول وجود ندارد؛ لذا این مفاهیم بر مبنای تعاریف مشهور بیان می‌شوند.^۱

«نظام ترجمه کلمه System می‌باشد. نظام، مجموعه منظم عناصر مرتبط با یکدیگر بوده (یا خواهد بود) و دارای هدف یا منظور است.» (حسین نمازی، ۱۳۷۴: ۷) ژوزف لائوژی نظام اقتصادی را «مجموعه‌ای منسجم از نهادهای حقوقی و اجتماعی که در بطن آن پاره‌ای وسایل و امکانات فنی جهت برقراری تعادل اقتصادی به کار رفته و بر اساس انگیزه‌های اصلی شکل گرفته است» (لائوژی، ۱۳۶۷: ۶) تعریف کرده است. بنابراین نظام اقتصادی شکل عینیت یافته مکتب بوده، و مشتمل بر چند عنصر ۱. نظام حقوقی، ۲. سطح تکنولوژیکی، ۳. وضعیت جغرافیایی، ۴. نظام انگیزشی است.

«در میان عناصر یادشده، جنبه‌های انگیزشی، حقوقی ریشه در مبانی و اصول مکتبی دارند. یک نظام اقتصادی مجموعه عناصر را در جهت شکل‌گیری اهداف مکتب دنبال می‌کند.» (نمازی و دادگر، ۱۳۸۵: ۱۵۳)

به دلیل وجود عناصری مانند موقعیت جغرافیایی، سطح تکنولوژی و تا حدی نظام حقوقی، می‌توان بر اساس مکتب واحد اقتصادی سخن از نظام‌های اقتصادی متنوع به میان آورد. برای بررسی میزان موفقیت هر نظام اقتصادی باید شاخص‌های متناسب با آن اهداف طراحی شود.

بر اساس مؤلفه‌های یادشده، هر نظام اقتصادی باید پاسخگویی سه پرسش اساسی باشد. پرسش نخست این است که چه کالایی تولید شود؟ این پرسش در واقع به این معناست که اولاً کدامیک از تمایلات و خواسته‌های مصرف‌کنندگان از بقیه خواسته‌ها مهمتر هستند و ثانیاً پس از مشخص شدن کالاها و خدماتی که باید تولید شوند، مقدار و میزان تامین هر کدام از این کالاها و

۱. نک: نمازی و دادگر، ۱۳۸۵: ۱۵۱-۱۵۲.

خدمات است. به عنوان مثال فولاد تولید شده موجود در جامعه را می‌توان برای تولید اتومبیل، اسلحه، یخچال، استادیوم و باشگاه ورزشی، ساختمان و امثال آن‌ها استفاده کرد. اینکه چقدر فولاد برای کدامیک از مصارف یادشده صرف شود به تقاضای جامعه برمی‌گردد. پرسش دوم این است که کالای مشخص شده در پرسش پیشین، چگونه تولید شود و از چه روشی و به چه میزانی باید منابع تولیدی را برای کالاهای مورد نظر استفاده کرد؟ پرسش سوم از چگونگی توزیع کالای تولید شده است. هر نظام اقتصادی به سوالات یادشده پاسخی متناسب و متفاوت از سایر نظام‌های اقتصادی می‌دهد.^۱ روشن است که نظام‌های اقتصادی متناسب با مبانی فکری و انگیزشی، سطح فناوری و شرایط محیطی و جغرافیایی به پرسش‌های یادشده پاسخ می‌دهند.

۲. مکتب اقتصادی

مکتب، ترجمه کلمه «Doctrine» است. فرهنگ آکسفورد دکترین را چنین تعریف می‌کند: «عقیده یا مجموعه اعتقادات و آموزه‌هایی که به وسیله کلیسا، یک گروه سیاسی و یا یک گروه از دانشمندان ارائه می‌شود.» (Oxford Dictionary, 2013)

اصول مکتبی اصولی هستند که گروهی از افراد و یا دانشمندان در آن به گونه‌ای اتفاق نظر دارند که این اصول هویت فکری آن جمع را شکل می‌دهند. به عنوان نمونه، مسلمانان دارای اصول توحید، معاد و اعتقاد به نبوت پیامبر گرامی اسلام هستند. هرگاه کسی این اصول را پذیرفته باشد، مسلمان بر وی صدق می‌کند؛ اما اگر فردی یکی از این اصول را منکر شود این نام بر وی صدق نخواهد کرد. ممکن است در درون یک مکتب، خُرده‌مکتب‌هایی نیز وجود داشته باشد. معادل کلمه مکتب در عربی «مذهب» است.

بر این اساس، هرگاه کلمه مکتب در زمینه اقتصاد به کار برده شده و مکتب اقتصادی گفته شود، به معنای مجموعه اصول پایه‌ای است که جمعی از دانشمندان در زمینه اقتصاد به آن معتقدند و از نظر آنان، این اصول محور فکری آن جمع بوده، هویت فکری آنان را مشخص می‌کند. به عنوان مثال، در مکتب سرمایه‌داری، اصولی مانند عدم دخالت دولت، آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی جزء اصول مکتبی محسوب می‌شوند. پس می‌توان نتیجه گرفت که مجموعه اصول و قواعد اساسی پیرامون زندگی اقتصادی، مکتب اقتصادی نامیده می‌شود.

ویژگی اصول مکتبی این است که جنبه ارزشی دارند. لذا این اصول در مقام توصیف جهان خارج و روابط میان متغیرها نیستند. این اصول از جهانی که باید باشد و وضعیت ایده‌آل سخن

می‌گویند. بنابراین مکتب اقتصادی نیز به بیان اصول ارزشی پیرامون زندگی اقتصادی می‌پردازد. اصول ارزشی مکتب ریشه‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد؛ اما یکی از مبانی آن، مبانی ارزشی مانند نگرش به انسان یا جامعه است. مباحثی مانند انسان اقتصادی، انگیزه فعالیت اقتصادی، اهداف اقتصادی، آزادی اقتصادی، حدود مالکیت خصوصی، روابط متقابل فرد و دولت، قیمت عادلانه، دستمزد عادلانه و غیره از جمله مباحث مکتبی اقتصاد هستند.

۳. سخن قرآن درباره اقتصاد

پس از تعریف و بیان مؤلفه‌های مکتب و نظام اقتصادی، مناسب است تا سیری در قرآن کریم نموده، ورود این کتاب الاهی را در امور اقتصادی بررسی کنیم.^۱

۳-۱. هدف نبودن اقتصاد:

۱- «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّونَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید، و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌تر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیت نافرمان‌بردار را هدایت نمی‌کند.» (توبه/ ۲۴)

این آیه شریفه، علاقه‌مندی به جلوه‌های دنیا مانند خانواده، اموال و کسب و کار را در تقابل با حب به خدا و رسولش قرار داده و از انسان مومن می‌خواهد که علاقه به خداوند را ترجیح دهد در غیر این صورت، پیامدهای تلخی را برای بشر بیان می‌کند.

۲- «وَاتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَتَّبِعِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد!» (قصص / ۷۷)

خداوند در این آیه، میان دنیا و آخرت پیوند ایجاد می‌کند. دنیا و آخرت را نباید در تقابل با هم قرار داد؛ بلکه جهت‌گیری دستاوردهای دنیوی، در مسیر آخرت باید باشد و البته مصرف این دستاوردها در

۱. لازم به ذکر است که در آیاتی که در ذیل می‌آیند، به مبانی ناظر به نظریه‌ها مانند: دیدگاه برابری انسان‌ها، نفی تبعیض نژادی... پرداخته نشده است؛ به تعبیری مفاهیم بنیادین مانند: برابری انسان‌ها در مجال این نوشتار نمی‌گنجد و باید در فرصت دیگری به آن پرداخت.

امور دنیا به میزانی است که نیازها را بر طرف کند. انسان باید بداند که دستاوردهای دنیایی او به احسان و لطف خداوند بوده است و از این رو توقع این است که او نیز زنجیره احسان را تداوم بخشد.

۳- «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛ مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست؛ و باقیات صالحات [ارزش‌های پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است!» (کهف / ۴۶)

۴- «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند [و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند]» (ذاریات / ۵۶).

«مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونِ؛ هرگز از آن‌ها روزی نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم مرا اطعام کنند» (ذاریات / ۵۷)

۵- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکنند! و کسانی که چنین کنند، زیان‌کارانند» (منافقون / ۹).

۶- «بَلْ تُؤْتَوْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛ ولی شما زندگی دنیا را مقدم می‌دارید» (منافقون / ۱۶).

۷- «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى؛ درحالی‌که آخرت بهتر و پایدارتر است!» (الأعلى / ۱۷)

از مجموع این آیات مشخص می‌شود که خدا دنیا و از جمله اقتصاد را در خدمت بشر قرار داده تا از آن بهره‌بردار و در مسیر الهی گام بردارد. از این منظر، دستیابی به اقتصادیات هدف زندگی نیست.

۲-۳. ضرورت تلاش و بهره‌مندی ضابطه‌مند از طبیعت:

۱- «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَتَابِعِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ؛ او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست.» (ملک / ۱۵)

۲- «وَإِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَعِفُّوهٗ ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ؛ و به سوی قوم «تمود»، برادرشان «صالح» را [فرستادیم] گفت: ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست. اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما وا گذاشت. از او آموزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگارتان [به بندگان خود] نزدیک، و اجابت‌کننده [خواسته‌های آنان] است.» (هود / ۶۱)

نظام‌سازی دینی در جهان جدید... / یوسفی شیخ رباط ۹۷

۳- «وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَدَلٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْبِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَوُوفٌ رَّحِيمٌ؛ آنها بارهای سنگین شما را به شهری حمل می‌کنند که جز با مشقت زیاد، به آن نمی‌رسیدید؛ پروردگارتان رؤوف و رحیم است [که این وسایل حیات را در اختیارتان قرار داده]» (نحل / ۷)

۴- «وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ همچنین اسبها و استرها و الاغها را آفرید؛ تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشد، و چیزهایی می‌آفریند که نمی‌دانید» (نحل / ۸)

۵- «وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ؛ و برای شما در زمین، تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره برداری خواهد بود» (بقره / ۳۶؛ اعراف / ۲۴)

۶- «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید و [از نعمت‌های الهی] بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد» (اعراف / ۳۱)

۷- «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛ بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو: اینها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند [اگر چه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند؛ ولی] در قیامت، خالص [برای مؤمنان] خواهد بود. این‌گونه آیات [خود] را برای کسانی که آگاه‌اند، شرح می‌دهیم.» (اعراف / ۳۲)

بنابراین بشر باید در این دنیا تلاش کند و از مواهب و امکانات این جهان بهره ببرد؛ اما در استفاده از آنها ضوابط را نگه دارد.

۳-۳. اهداف (معیارهای ارزیابی): امنیت و رفاه

۱- «لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ (۱) إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲) فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳) الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ. (۴)؛ [کیفر لشکر فیل سواران] به خاطر این بود که قریش [به این سرزمین مقدس] الفت گیرند [و زمینه ظهور پیامبر فراهم شود] (۱) الفت آنها در سفرهای زمستانه و تابستانه [و به خاطر این الفت به آن بازگردند] (۲) پس [به شکرانه این نعمت بزرگ] باید پروردگار این خانه را عبادت کنند؛ (۳) همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت. (۴)» (قریش / ۱-۴)

۲- «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوِيَّةً كَانَتْ أَمِيَّةً مُّطْمَئِنِّتَةً بِأَتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَّرْتَ بِالنِّعْمِ اللَّهُ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛ خداوند [برای آنان که کفران نعمت می‌کنند]، مثلی

زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود؛ و همواره روزیش از هر جا می‌رسید؛ اما به نعمت‌های خدا ناسپاسی کردند؛ و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید.» (نحل/۱۱۲)

در این آیات، دو هدف امنیت و رفاه به عنوان دو هدف جوامع بشری بیان شده است.

۳-۴. اهداف: عدالت

سومین هدف عدالت است که به دلیل دربرداشتن مباحث قابل تامل، آن را در عنوانی مستقل بررسی می‌کنیم.

۳-۴-۱. هدف‌گذاری:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.» (حدید/۲۵).

۳-۴-۲. پذیرش اصل تفاوت:

۱- «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! [این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما، و بر طبق عدالت است. ولی با این حال، مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی و [نباید حقوق هیچ‌یک پایمال شود] و از فضل [و رحمت و برکت] خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست.» (نساء/۳۲)

۲- «إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا؛ به یقین، پروردگارت روزی را برای هرکس بخواهد، گشاده یا تنگ می‌دارد؛ او نسبت به بندگانش، آگاه و بیناست.» (اسراء/۳۰)

۳- «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ خداوند روزی را برای هرکس از بندگانش بخواهد گسترده می‌کند، و برای هرکس بخواهد محدود می‌سازد؛ خداوند به همه چیز داناست.» (عنکبوت/۶۲)

۴- «وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ؛ خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد [چرا که استعدادها و تلاش‌هایتان متفاوت است] اما آن‌ها که برتری داده شده‌اند، حاضر نیستند از روزی خود به بردگان‌شان بدهند و همگی در آن مساوی گردند؛ آیا آنان نعمت خدا را انکار می‌نمایند [که شکر او را ادا نمی‌کنند؟]» (نحل/۷۱)

۵- «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ؛ آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟ ما معیشت آن‌ها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده [و با هم تعاون نمایند] و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع‌آوری می‌کنند، بهتر است.» (زخرف/۳۲)

۳- ۴- ۳. تفاوت فقط ناشی از کار و استعداد

۱- «مَا آفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه‌ماندگان است، تا [این اموال عظیم] در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد. آنچه را رسول خدا برای شما آورده بپذیرید [و اجرا کنید]، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از [مخالفت] خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است.» (حشر/۷)

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُوا أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيُضَدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۴) يَوْمَ يَحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارٍ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از دانشمندان [اهل کتاب] و راهبان، اموال مردم را باطل می‌خورند، و [آنان را] از راه خدا بازمی‌دارند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه [و ذخیره و پنهان] می‌سازند، و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده! (۳۴) در آن روز که آن را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، و با آن صورت‌ها و پهلوها و پشت‌هایشان را داغ می‌کنند؛ [و به آن‌ها می‌گویند]: این همان چیزی است که برای خود اندوختید [و گنجینه ساختید] پس بچشید چیزی را که برای خود می‌اندوختید. (۳۵)» (توبه/۳۴-۳۵).

بنابراین از منظر قرآن، انسان‌ها به دلیل اختلاف در استعداد و میزان تلاش، به دستاوردهای متفاوت اعم از سطح درآمدی و موقعیت اجتماعی متفاوت می‌رسند.

۳- ۴- ۴. مبادلات عادلانه

۱- «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و اموال یکدیگر را به باطل [و ناحق] در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، [قسمتی از] آن را [به عنوان رشوه] به قضات ندهید، درحالی که می دانید [این کار، گناه است]» (بقره/۱۸۸)

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمانها [و قراردادهای] وفا کنید. چهارپایان [و جنین آنها] برای شما حلال شده است؛ مگر آنچه بر شما خوانده می شود [و استثنا خواهد شد]؛ و به هنگام احرام، صید را حلال نشمرید! خداوند هر چه بخواهد [و مصلحت باشد] حکم می کند.» (مانده / ۱)

۳- «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛ و آن ها که امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند.» (مؤمنون / ۸)

۴- «وَالِئِي مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكَمُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ و به سوی مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم]؛ گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، که جز او معبودی ندارید. دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است؛ بنابراین، حق پیمانها و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نکاهید و در روی زمین، بعد از آنکه [در پرتو ایمان و دعوت انبیا] اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید.» (اعراف / ۸۵)

۵- «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ و به مال یتیم، جز به بهترین صورت [و برای اصلاح]، نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد و حق پیمانها و وزن را به عدالت ادا کنید. - هیچ کس را، جز به مقدار توانایش، تکلیف نمی کنیم - و هنگامی که سخنی می گوئید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان [شما] بوده باشد و به پیمان خدا وفا کنید، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، تا متذکر شوید.» (انعام / ۱۵۲)

۶- «وَالِئِي مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْفُسُوا الْيَتِيمَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ؛ و به سوی [مدین] برادرشان شعیب

نظام‌سازی دینی در جهان جدید... / یوسفی شیخ رباط ۱۰۱

را [فرستادیم] گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که جز او، معبود دیگری برای شما نیست. پیمان‌ه و وزن را کم نکنید [و دست به کم‌فروشی نزنید] من [هم‌اکنون] شما را در نعمت می‌بینم [ولی] از عذاب روز فراگیر، بر شما بیمناکم.» (هود/۸۴)

۷- «وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ وای قوم من! پیمان‌ه و وزن را با عدالت، تمام دهید و بر اشیاء [و اجناس] مردم، عیب نگذارید؛ و از حق آنان نگاهید و در زمین به فساد نکوشید.» (هود/۸۵)

۸- «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (۱) الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲) وَإِذَا كَالُواهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ. (۳)؛ وای بر کم‌فروشان! (۱) آنان که وقتی برای خود پیمان‌ه می‌کنند، حق خود را به‌طور کامل می‌گیرند؛ (۲) اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمان‌ه یا وزن کنند، کم می‌گذارند.» (مطففین / ۱-۳)

۹- «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ (۱۸۱) وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ (۱۸۲) وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۱۸۳)؛ حق پیمان‌ه را ادا کنید [و کم‌فروشی نکنید]، و دیگران را به خسارت نیفکنید! (۱۸۱) و با ترازوی صحیح وزن کنید! (۱۸۲) و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین تلاش برای فساد نکنید! (۱۸۳)» (شعراء/۱۸۱-۱۸۳)

۱۰- «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷) أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (۸) وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۹)؛ و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون [در آن] گذاشت، (۷) تا در میزان طغیان نکنید [و از مسیر عدالت منحرف نشوید]، (۸) و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید. (۹)» (رحمن / ۷-۹)

طبق این آیات، مبادلات منصفانه و عادلانه یکی از ارکان تحقق عدالت اجتماعی و مانعی بزرگ در برابر نابرابری‌های ناموجه است.

۳- ۴- ۵. وظیفه مردم در رفع فقر (آیات انفاق)

۱- «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالذِّينِ (۱) فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲) وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳) فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ (۴) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵) الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ (۶) وَيَمْتَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)؛ آیا کسی که روز جزا را پیوسته انکار می‌کند دیدی؟ (۱) او همان کسی است که یتیم را با خشونت می‌راند، (۲) و [دیگران را] به اطعام مسکین تشویق نمی‌کند! (۳) پس وای بر نمازگزارانی که ... (۴) در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند، (۵) همان کسانی که ریا می‌کنند، (۶) و دیگران را از وسایل ضروری زندگی منع می‌نمایند. (۷)» (ماعون / ۱-۷).

۲- «مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِثْقَالٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يَصَاعِقُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه، یکصد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هرکس بخواهد [و شایستگی داشته باشد]، دو یا چند برابر می‌کند؛ و خدا [از نظر قدرت و رحمت] وسیع و [به همه چیز] داناست.» (بقره/۲۶۱)

۳- «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَشْعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده‌اند، منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان [محفوظ] است؛ و نه ترسی دارند، و نه غمگین می‌شوند.» (بقره/۲۶۲)

۴- «وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يَنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوُ كَذَلِكَ يَبِينُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (۲۱۹) فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۲۲۰)؛ و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود؛ این چنین خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد، شاید اندیشه کنید. [تا اندیشه کنید] درباره دنیا و آخرت.» (بقره/۲۱۹-۲۲۰).

۵- «هَاتَتْهُمْ هُذُلًا تَدْعُونَ لِنَفْسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ؛ آری، شما همان گروهی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می‌شوید، بعضی از شما بخل می‌ورزند؛ و هرکس بخل ورزد، نسبت به خود بخل کرده است؛ و خداوند بی‌نیاز است و شما همه نیازمندید؛ و هرگاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما می‌آورد؛ پس آن‌ها مانند شما نخواهند بود [و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق می‌کنند].» (محمد/۳۸)

۶- «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ؛ به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده [خود] در آن قرار داده انفاق کنید؛ [زیرا] کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند.» (حدید/۷)

۷- «وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيُعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ آنان که از میان شما دارای برتری [مالی] و وسعت زندگی هستند، نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند؛ آنان باید عفو کنند و چشم‌پوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است.» (نور/۲۲)

نظام‌سازی دینی در جهان جدید... / یوسفی شیخ رباط ۱۰۳

۸- «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَأَوْهَمُ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ؛ و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی بیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند. و آن بردگانتان که خواستار مکاتبه [قرار داد مخصوص برای آزاد شدن] هستند، با آنان قرار داد ببندید اگر رشد و صلاح در آنان احساس می‌کنید [که بعد از آزادی، توانایی زندگی مستقل را دارند] و چیزی از مال خدا را که به شما داده است به آنان بدهید. و کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خودفروشی نکنید اگر خودشان می‌خواهند پاک بمانند. و هرکس آنان را [بر این کار] اجبار کند، [سپس پشیمان شود]، خداوند بعد از این اجبار آنان، غفور و رحیم است. [توبه کنید و بازگردید، تا خدا شما را ببخشد.]» (نور / ۳۳)

۹- «وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيهِ (۲۵) وَلَمْ أَذْرَ مَا حِسَابِيهِ (۲۶) يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ (۲۷) مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيهِ (۲۸) هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيهِ (۲۹) خُدُوهُ فَعُلُوهُ (۳۰) ثُمَّ أُلْجِئِمِ صَلْوَهُ (۳۱) ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (۳۲) إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (۳۳) وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمُسْكِينِ (۳۴)؛ اما کسی که نامه اعمالش را به دست چپش بدهند می‌گوید: ای کاش هرگز نامه اعمالم را به من نمی‌دادند. (۲۵) و نمی‌دانستم حساب من چیست. (۲۶) ای کاش مرگم فرا می‌رسید! (۲۷) مال و ثروتم هرگز مرا بی‌نیاز نکرد، (۲۸) قدرت من نیز از دست رفت. (۲۹) او را بگیرید و دربند و زنجیرش کنید! (۳۰) سپس او را در دوزخ بیفکنید! (۳۱) بعد او را به زنجیری که هفتاد ذراع است ببندید؛ (۳۲) چرا که او هرگز به خداوند بزرگ ایمان نمی‌آورد، (۳۳) و هرگز مردم را بر اطعام مستمندان تشویق نمی‌نمود. (۳۴)» (الحاقه / ۲۵-۳۴).

۱۰- «وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (۱۶) كَلَّا بَلْ لَأَنْكُرِمُونَ الْيَتِيمَ (۱۷) وَلَا تَحَاطُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمُسْكِينِ (۱۸) وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا (۱۹) وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (۲۰)؛ و اما هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ می‌گیرد، [مایوس می‌شود و] می‌گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است. (۱۶) چنان نیست که شما می‌پندارید؛ شما یتیمان را گرامی نمی‌دارید، (۱۷) و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی‌کنید، (۱۸) و میراث را [از راه مشروع و نامشروع] جمع کرده می‌خورید، (۱۹) و مال را بسیار دوست دارید. (۲۰)» (فجر / ۱۶-۲۰).

در این آیات، خدا مردم توانگر مومن را که دغدغه فقر و دردمندی دیگران را دارند موظف به رسیدگی و کمک به فقیران و بی‌اعتنایی به آنان را برابر با باور نداشتن به معاد دانسته است.

۳-۴-۶. وظیفه دولت در رفع فقر

۱- «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أَمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربى و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه [از آنان] است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه [باایمان و بی‌ایمان] [روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده‌اید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست.» (انفال/۴۱)

۲- «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ از اموال آنان صدقه‌ای [به‌عنوان زکات] بگیر، تا به‌وسیله آن، آنان را پاک‌سازی و پرورش دهی و [هنگام گرفتن زکات] به آنان دعا کن؛ که دعای تو، مایه آرامش آنان است؛ و خداوند شنوا و داناست.» (توبه/۱۰۳)

۳- «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای [جمع آوری] آن زحمت می‌کشند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای [آزادی] بردگان، و [ادای دین] بدهکاران، و در راه [تقویت آیین] خدا، و واماندگان در راه این، یک فریضه [مهم] الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است.» (توبه/۶۰)

در این آیات یکی از وظایف دولتها را رفع فقر برشمرده است.

۳-۵. تعادل

۱- «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.» (فرقان/۶۷)

۲- «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا؛ هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، [و ترك انفاق و بخشش منما] و بیش از حد [نیز] دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرارگیری و از کار فرومانی.» (اسراء/۲۹)

۳- «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را به‌هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید و [از نعمت‌های الهی] بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد.» (اعراف/۳۱)

تعادل در زندگی، چه در شکل فردی و چه به عنوان یک دولت، یک اصل مهم قرآنی است.

۳-۶. مشکلات ناشی از عملکرد بشر

- «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید [به‌سوی حق] بازگردند.» (روم/۴۱)

در این آیه شریفه، مشکلات بشری را ناشی از عملکرد انسانها دانسته که دامن آنها را می‌گیرد.

۳-۷. اثر اخلاق بر اقتصاد

۱- «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ؛ و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارش بر آنان نازل شده [قرآن] برپا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد؛ جمعی از آنان، معتدل و میانه‌رو هستند، ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می‌دهند.» (مائده/۶۶)

۲- «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم؛ ولی [آنان حق را] تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.» (اعراف/۹۶)

۳- «فَلَوْ لَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ؛ چرا هیچ‌یک از شهرها و آبادی‌ها ایمان نیاوردند که [ایمانشان به‌موقع باشد و] به حالشان مفید افتد؟ مگر قوم یونس، هنگامی که آنان ایمان آوردند، عذاب رسواکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم؛ و تا مدت معینی [پایان زندگی و اجلشان] آنان را بهره‌مند ساختیم.» (یونس/۹۸)

۴- «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُرِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُرُوبِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ؛ و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا [باران] آسمان را بی‌دری بر شما بفرستد؛ و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید و گنهکارانه، روی [از حق] برتائید!» (هود/۵۲)

۵- «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛ خداوند [برای آنان که کفران نعمت می‌کنند]، مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود؛ و همواره روزیش از هر جا می‌رسید؛ اما به نعمت‌های خدا ناسپاسی کردند؛ و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید.» (نحل/۱۱۲)

در این آیات، نشان داده شده که جامعه اخلاقی بر اساس موازین اقتصادی و رفاهی در وضعیت بهتری قرار دارد.

۴. وجود یا عدم نظام اقتصادی در قرآن

چنانکه گذشت، مؤلفه‌های نظام اقتصادی از نظام انگیزشی، چارچوب‌های قانونی، سطح فناوری و شرایط جغرافیایی تشکیل می‌شود. بر این اساس، یک کشور ممکن است در دو برهه زمانی متفاوت دو نظام اقتصادی داشته باشد؛ به‌عنوان مثال، کشورهای صنعتی پیش از انقلاب صنعتی و پس از آن به دلیل تفاوت در سطح فناوری کاملاً متفاوت خواهند بود. کشورهای نفت خیزی مانند عربستان و ایران، قبل از اکتشاف نفت و شکل‌گیری اقتصاد نفتی با شرایط پیش از آن کاملاً متفاوت خواهند بود. کشورهای شرق آسیا نیز به همین منوال هستند. همچنین در یک دوره زمانی معین نیز کشورهای مختلفی مانند کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای توسعه‌نیافته، به دلیل تفاوت در سطح فناوری، ممکن است دارای نظام اقتصادی متفاوت باشند و همین‌طور کشورهایی مانند کشورهای نفت‌خیز با کشورهای غیرنفتی، نظام‌های متفاوتی خواهند داشت. البته مبانی فکری، انگیزشی و قوانین ریشه در نظام ارزشی دارد. با مروری به آیات یادشده درمی‌یابیم که نظام اقتصادی به معنای مصطلح در اقتصاد، در قرآن وجود ندارد.

۵. وجود یا عدم مکتب اقتصادی در قرآن

چنانکه گذشت، مکتب با دو پرسش اصلی آزادی اقتصادی و مالکیت مواجه است. آزادی اقتصادی و دخالت دولت دو روی یک سکه هستند. در پرسش از مالکیت نیز اولاً به پذیرش عدم پذیرش مالکیت خصوصی پرداخته، و ثانیاً حدود این مالکیت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مروری بر آیات یادشده نشان می‌دهد که قرآن به این دو موضوع به‌طور کامل نپرداخته است؛ گرچه چنانکه گذشت، مواردی از ورود قرآن کریم در این دو موضوع را می‌توان مشاهده کرد.

۶. قرآن به‌عنوان یکی از منابع بنای مکتب اقتصادی

چنانکه گذشت، در قرآن کریم تبیینی از مکتب و یا نظام اقتصادی صورت نگرفته است. از این‌رو، سخن از نظام اقتصادی و یا مکتب اقتصادی در قرآن کریم منتفی است. البته می‌توان به دلیل نزول تدریجی قرآن و رویه‌رو شدن جامعه نبوی با برخی مباحث اقتصادی، چگونگی توزیع غنائم، خمس، زکات و امثال آنها، شاهد بیانات الهی در قرآن کریم بود؛ اما از میان آنها، نظام و مکتب اقتصادی به مفهوم امروزی به دست نمی‌آید. لذا می‌توان در این‌گونه موارد از تعبیراتی مانند: روش اقتصادی قرآن،^۱ توجه قرآن به جوانب اقتصادی،^۲ معجم آیات مالی و اقتصادی قرآن،^۳ نظرات اقتصادی در قرآن کریم،^۴

۱. نک: زیدان عبدالفتاح، ۱۹۹۰.

۲. نک: زید بن محمد الرمانی، ۲۰۰۵.

۳. نک: المرکز الاسلامی للدراسات والبحوث، بی تا.

۴. نک: شوقی احمد دنیا، ۲۰۰۷.

نظرات اقتصادی در تفسیر آیات قرآنی،^۱ برداشت‌های اقتصادی، رویکردهای اقتصادی و امثال آن در قرآن کریم استفاده کرد که ناظر به مواردی است که قرآن از اقتصاد سخن گفته است.

با این حال، نباید از مطالب فوق این نتیجه را گرفت که مکتب اقتصادی در اسلام وجود ندارد و یا نمی‌توان نظام اقتصادی برگرفته از دین بنا نمود؛ زیرا گرچه قرآن مهم‌ترین منبع دین است، اما تنها منبع آن نیست. سنت پیامبر نیز منبع دوم تعالیم و تبیین‌های دینی است. بر این اساس، می‌توان در برابر پرسش‌هایی مانند «آیا می‌توان از منابع دینی مکتب اقتصادی استخراج کرد»، پاسخی مثبت داد.

آیا در صدر اسلام نظام اقتصادی تحقق یافته وجود داشته است؟ پاسخ به این سؤال نیز مثبت است؛ زیرا هر جامعه خواه ناخواه، مؤلفه‌های نظام اقتصادی را دارا بوده و باید به سه پرسش: چه کالایی تولید شود، چگونه تولید و چگونه توزیع شود، نیز پاسخ گویند. بر این اساس، در دوره حکومت رسول خدا (ص) در مدینه نیز نظام اقتصادی شکل گرفته بود، و سخنان قرآنی را نیز در این بستر باید ملاحظه نمود. اما به دلیل مؤلفه‌های جغرافیایی، زمانی و فناوری امروز، نظام اقتصادی اسلام را به-معنای دقیق کلمه نمی‌توان به‌کار گرفت. با این حال، می‌توان با الهام از مکتب اقتصادی اسلام، نظام اقتصادی مبتنی بر آن شکل داد، چنانکه کشورهای سرمایه‌داری مانند: آمریکا، آلمان، کشورهای اسکاندیناوی و ژاپن که از اصول مکتبی سرمایه‌داری پیروی می‌کنند، دارای نظام‌های اقتصادی متعدد سرمایه‌داری هستند. این امر برای کشورهای مسلمان نیز در صورت پایبندی به اصول مکتبی اقتصاد اسلام ممکن خواهد بود. تفصیل این نکات نوشتاری مستقل می‌طلبد.

۷. نتیجه‌گیری

این نوشتار در ابتدا به بررسی این پرسش پرداخت که آیا قرآن به طرح نظام اقتصادی پرداخته است و آیا می‌توان ادعا نمود که نظام اقتصادی قرآنی وجود دارد؟ در پاسخ به این سوال، با بهره‌گیری از روش استنتاج و تحلیل محتوا به این جمع‌بندی رسیدیم که با توجه به تعاریف مرسوم از نظام اقتصادی، نمی‌توان به طرح نظام اقتصادی در قرآن کریم پرداخت. پرسش دوم این بود که آیا امکان نظام‌سازی مبتنی بر قرآن کریم وجود دارد؟

مروری بر موارد اشاره قرآن کریم به مباحثی که جنبه اقتصادی دارند، نشان می‌دهد که نظام اقتصادی و مکتب اقتصادی در قرآن کریم وجود نداشته، انتساب آن به کتاب خدا درست به نظر نمی‌رسد. با این حال، اگر به مجموعه آموزه‌های دینی اعم از قرآن و سنت مراجعه شود می‌توان با استناد به این دو منبع، یک مکتب اقتصادی ارائه داد.

کتاب نامه

الف- کتب و مقالات

الف-۱: فارسی

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

دنیا، شوقی احمد (۲۰۰۷)، نظرات اقتصادی فی القرآن الکریم، چاپ اول، ریاض - عربستان سعودی: البنك الإسلامية للتنمية.

الرماني، زيد بن محمد (۲۰۰۵)، عناية القرآن بالجانب الإقتصادي، چاپ اول، ریاض - عربستان سعودی: دارالورقات العلمية للنشر و التوزيع.

صدر، محمد باقر (۱۳۹۵)، پژوهش های قرآنی، ترجمه سيد جلال ميرآقايی، چاپ اول، قم: انتشارات دارالصدر (پژوهشگاه علمی تخصصی شهيد صدر).

عبدالفتاح، زيدان (۱۹۹۰)، منهج القرآن فی الإقتصاد، بی جا، طرابلس - لبنان: منشورات جمعية الدعوة الإسلامية العالمية.

قنطجی، سامر مظهر (۲۰۱۸)، نظرات اقتصادی فی تفسیر الآی القرآنیة، چاپ اول، سومالی: مطبوعات کای. لاژوزی، ژوزف (۱۳۶۷)، مکتب های اقتصادی، ترجمه جهانگیر افکاری، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

لفت و بیچ، ریچارد (۱۳۵۴)، سیستم قیمت ها و تخصیص منابع تولیدی، ترجمه میر نظام سجادی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه علوم بانکی ایران.

المركز الإسلامي للدراسات و البحوث (بی تا)، المعجم المفصل لآیات المال و الإقتصاد فی القرآن الکریم، چاپ اول، بی جا: المركز الإسلامي للدراسات و البحوث.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۳)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ نهم، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).

نمازی، حسین (۱۳۷۴)، نظام های اقتصادی، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

نمازی، حسین و یدالله دادگر (۱۳۸۵)، ارتباط اقتصاد متعارف با اقتصاد ارتدکس و اقتصاد اخلاق مدار، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

یوسفی شیخرباط، محمدرضا (۱۳۹۵)، سیر اندیشه اقتصادی متفکران مسلمان، چاپ اول، تهران: سمت.

ب- وبسایت (های) اینترنتی